

بسم الله الرحمن الرحيم

مفهوم عصمت

(ترجمه)

مسئله عصمت یکی از مباحث مربوط به ثقافت اسلامی است. در جریان این مبحث، ما در مورد مفهوم عصمت، تعریف آن در لغت و اصطلاح و دلالتش صحبت خواهیم نمود.

الله سبحانه و تعالی نخبگان بشریت یعنی انبیاء را بر اساس فطرت سلیم آفرید و چنان تربیه‌ای برای شان مهیا ساخت که بتوانند بار امانت دعوت مردم بسوی توحید و اعمال صالحه را تحمل نمایند. لذا انبیاء علیهم السلام از صفات ویژه برخوردار هستند که در غیرشان نمی‌توان یافت. از جمله آن صفات یکی هم صفت عصمت است که بدلیل تحقیق هدف نبوت و رسالت؛ نسبت آن به غیرشان مطلقاً نادرست است. اعتقاد به عصمت انبیاء از لوازم و ضروریات ایمان به شمار می‌رود. بنابر این وقتی گفته می‌شود؛ عقیده اسلامی عبارت از ایمان به الله سبحانه و تعالی، فرشتگان، کتاب‌های آسمانی، رسولان، ایمان به روز آخرت و ایمان به قضاء و قدر است که خیر و شر آن هردو از جانب الله می‌باشد، بدین معنا نیست که هیچ چیز دیگری وجود ندارد که باید به آن اعتقاد داشت. باید دانست که این موارد فوق الذکر اساسات ایمان هستند و افکار دیگری نیز وجود دارد که متعلق به عقیده اسلامی می‌باشد؛ از جمله عصمت انبیاء که در تحت ایمان به انبیاء شامل است و کفر به آن؛ به معنای کفر به رسالت و نبوت انبیاء می‌باشد.

تعاریف لغوی و اصطلاحی زیادی از سوی متکلمین پیرامون مسئله عصمت ارائه شده است. عصمت در لغت عرب به معنای وقایه، منع نمودن و حفاظت آمده است، اما در اصطلاح اکثریت متکلمین در تفسیر عصمت گفته اند که: عصمت؛ لطف یا توفیق الهی است که الله سبحانه و تعالی برای بعضی از بندگانش بخشیده است و توسط آن، آنان را از ارتکاب گناهان و ترک طاعات با وجود قدرت‌شان بر این کار، حفاظت و نگهداری می‌کند.

بر این اساس، هر نبی و رسول از اشتباه و خطاء در تبلیغ معصوم بوده، در آنچه در مورد الله سبحانه و تعالی می‌گوید، خطا نمی‌کند و هیچ چیزی را از آنچه که الله برایش وحی می‌کند، فراموش نمی‌کند؛ جز چیزی را که الله بخواهد و نه هم چیزی را کتمان و اضافت می‌کند. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [نجم: 3]

ترجمه: و (رسول الله) از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید.

و گفته است:

﴿سَنُفَرِّقُكَ فَلَا تَنْسَىٰ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ﴾ [اعلی: 6]

ترجمه: ما قرآن را بر تو خواهیم خواند و به تو خواهیم آموخت و تو دیگر آن را فراموش نخواهی کرد، مگر چیزی را که الله بخواهد. قطعاً او آشکارا و نهان را می‌داند.

و فرموده است:

﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (44) لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (45) ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾ [حاقة: 44-46]

ترجمه: اگر (رسول الله) بعضی از سخنان دروغین را بر ما می‌بست، ما دست راست او را می‌گرفتیم؛ سپس شاه‌رگ قلبش را قطع می‌کردیم.

و الله سبحانه و تعالی، جمع‌آوری قرآن را در سینه رسول الله صلی الله علیه و سلم بدوش گرفت:

﴿لَا تَحْرُكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتُجَلَ بِهِ (16) إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَهُ فَانْبِعْ قُرْآنَهُ﴾ [قیامت: 16-18]

ترجمه: (به هنگام وحی قرآن) شتابگرانه زبان به خواندن آن مجنبن (و آیات را عجولانه و آزمندانه تکرار مگردان)؛ چرا که گردآوردن قرآن (در سینه تو) و (توانائی بخشیدن به زبان تو، برای) خواندن آن، کار ما است (پس از ناحیه حفظ قرآن در میان دل و جان خود و روان خواندن و درست تلاوت کردن آن با زبان خویش، نگران مباش). پس هرگاه ما قرآن را (توسط جبرئیل بر تو) خواندیم، تو خواندن آن را (آرام و آهسته) پیگیری و پیروی کن (وظیفه تو، پیروی از تلاوت پیک وحی و ابلاغ رسالت آسمانی است و بس).

اما آنچه از نبی بصورت غیر صریح و واهی نقل شده و ظاهر آن خلاف باطن آن است، پس می‌توان آن را در امور دنیوی گنجانید. مخصوصاً بخاطر مصلحت مثل؛ توریه به عنوان تکتیک جنگی تا دشمن نتواند سلاح خود را مجهز کند و رسول الله صلی الله علیه و سلم به خاطر خوش ساختن دل اصحاب خود و جذب محبت‌شان با آنان شوخی و سرگرمی می‌کرد، اما جز حق چیزی نمی‌گفت؛ زیرا همانگونه که انبیاء و رسولان از کبائر معصوم هستند، در تبلیغ از سوی الله نیز معصوم هستند. رسول الله هیچ‌گاه گناهی از کبائر را مرتکب نمی‌شد، چون انجام کبیره به معنای ارتکاب معصیت و وقتی که معصیت به اجراء در آید، به تبلیغ نیز رسوخ می‌کند؛ در حالی که این محال است. شکی نیست در این که گناهان کبیره؛ قدر و منزلت انسان را در نزد الله و مردم می‌کاهد و رسول الله از هر چیزی که قدر و منزلت او را بکاهد و در آن عیبی وارد کند، منزّه است و تمام افعال و اقوال آن برای امت اسلامی تا قام قیامت منبع شرعی بحساب می‌رود، اما در مورد عصمت از گناهان صغیره علماء اختلاف نظر دارند و صحیح اینست که انبیاء و رسولان از هر آنچه‌ای که معصیت و گناه نامیده می‌شود و استعمال لفظ معصیت بر آن صدق می‌کند، معصوم هستند. ناگفته نماند که آنان از ارتکاب مکروهات، ترک مندوبات و ترک خلاف اولی معصوم نیستند، زیرا این موارد با نبوت و رسالت در تناقض نیست و این صحیح نیست که گفته شود؛ عصمت یک امر غیر اختیاری است و نبی توسط آن هدایت می‌شود. بنابر این؛ معصوم مانند سایر مردم اعمال و افعال خود را به شکل ارادی و اختیاری انجام می‌دهد و مجبور به انجام طاعات و ترک محرّمات نیست؛ بلکه به اراده و اختیار خود از الله اطاعت می‌کند، اما به این دلیلی که از دانش و تقوای کامل برخوردار است، طاعت را بر می‌گزیند و مخالفت را ترک می‌کند. اشباع گرایز و حاجات عضوی بدن علت تام و ملازم برای

ارتکاب گناه نیست که بگوییم حتماً باید گناه کرد، پس دانسته می‌شود که عصمت مانع قدرت و توانایی بر انجام کار زشت نیست.

و دلیل عصمت انبیاء دلیل شنیداری و سمعی نبوده، بلکه یک دلیل عقلی است؛ چون نبی و رسول بودن معصومیت را در تبلیغ از سوی الله سبحانه و تعالی بصورت حتمی همراه دارد و این از صفاتی است که عقل وجود آن را در هر نبی و رسول اقتضاء می‌کند. اگر احتمال امکانیت عدم عصمت در یک مسئله وجود می‌داشت؛ در هر مسئله خلل سرایت می‌کند و در آن هنگام تمام نبوت و رسالت را به نابودی می‌کشاند، پس عصمت برای انبیاء ثابت بوده و الله سبحانه و تعالی بواسطه آن، انبیاء را از سایر بشر متمایز ساخته است تا حکمت تأسی و اقتدا کردن به آنان متحقق شود و در غیر این صورت، گرفتن از آنان مثل گرفتن از غیرشان می‌بود و در نتیجه ممکن بود که در تشریح نسبت خطاء، زیادت و یا نقصان داده می‌شد و این غیر ممکن است، مگر فراموش نشود که عصمت انبیاء از زمان نبی شدن و رسول شدن شان توسط ارسال وحی آغاز می‌یابد، اما قبل از نبوت و رسالت آنچه بر دیگران جایز است بر آنان نیز جایز است، چون عصمت مختص به نبوت و رسالت است.

الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ﴾ [ضحی: 7]

ترجمه: و تو را سرگشته و حیران (در میان شرک بت پرستان و یهودیان و مسیحیان، کفر کافران، ظلم و زور قلداران و کشتار قبائل به فرمان جاهلان) نیافت و (در پرتو وحی آسمانی به یکتاپرستی یزدانی) رهنمودت کرد؟

و فرموده است:

﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ﴾ [یوسف: 3]

ترجمه: ما از طریق وحی این قرآن، نیکوترین سرگذشت‌ها را برای تو بازگو می‌کنیم و (تو را بر آنها مطلع می‌گردانیم) هرچند که پیشتر از زمره بی‌خبران (از احوال گذشتگان) بوده‌ای.

و گفته است:

﴿مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾ [شوری: 52]

ترجمه: (پیش از وحی) تو نمی‌دانستی کتاب چیست و ایمان کدام است.

نویسنده: فارس الفارس

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه عراق

برای رادیوی دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: محمد مزمل